

شکل گیری زبان

ناشر: وبلاگ پارسی گو



●بشر، حرف زدن را با لال بازی شروع کرد!

احتمال اینکه زمانی زبانی واحد و مشترک میان آدمیان بوده است وجود ندارد. از زبان مردم دوران پارینه سنگی هیچ آگاهی نداریم. حتی نمی دانیم که آیا مردم آن دوران، آزادانه با زبان، بیان مقصود می کرده اند یا نه؟ از نقاشیهای مردم پارینه سنگی بر ما آشکار شده که این مردم سخت به شکلها و حرکات توجه داشتند و چنین پنداشته اند که ایشان بیشتر با حرکات دست و صورت و دیگر اندامهای آنچه می خواستند بیان می کرده اند. شاید کلماتی که مردم کهن به کار می برده اند بیشتر فریاد هراس و شهوت و هیجان و نام و چیزهای محسوس بوده و در بسیاری از مواد شاید این صداها تقلیدی بوده از صدای آن چیزها یا صداهایی که به آن چیزها بستگی داده شده بود. سرآرتور اوانس (Sir Arthur Evans) می گوید که زبان علامتی در آمریکا زودتر از سخن گفتن پدید آمده است. از آن رو که زبان علامتی در میان همه ی سرخ پوستان آمریکای شمالی یکسان و زبان آوایی گوناگون است. نخستین زبانها شاید مجموعه ای بودند از کلمات شگفتی و هراس انگیز و شهوی و هیجانی و نام چیزها. شاید نامهای واحد را با فشارها و قطع و وصلهای صوتی برای رساندن مفهومهای گوناگون ادا می کردند. مثلاً مردم پارینه سنگی واژه ای برای «اسب» یا «خرس» داشتند. آن گاه با فشارها و ژستهای رسانندگی «خرس» می رود یا «خرس» را باید شکار کرد یا «خرس مرده» یا «خرس اینجا بود» یا «خرس این کار را کرد» و مانند اینها.

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

● زبانهای کهن خیلی کم ، واژه داشتند

با گذشتن زمانهای دراز آدمیان روش بیان عمل و رابطه ی میان مفاهیم مختلف را ساختند. زبانهای امروزی هزارها واژه دارد، اما کهن ترین زبانها تنها چند صد واژه داشتند. گفته شده است که روستاییان امروز تنها با یک هزار واژه یا چیزی کمترین مقصود می کنند و سخن می گویند و به خوبی می توان پذیرفت که حتی مردم آغاز نوسنگی مجموعه ی لغاتی بس محدود و انگشت شمار داشتند. شاید مردم آن روزگار با هم به بحث و مکالمه و توصیف چیزها نمی پرداختند. برای نقل حوادث دست به پای کوبی و ادا در آوردن می زدند. نیروی شمارش ایشان نیز بسیار محدود بود .

● دستورگر زبان چقدر پیشینه دارد؟

پیشرفت سخن گفتن نخست بسیار آهسته بود و ضوابط دستور زبان و بیان اندیشه های ژرف شاید بسیار دیر پدیدار شده باشد، مثلاً شاید در زمان ۴۰۰ یا

روستاییان امروز تنها با یک هزار واژه یا چیزی کمترین مقصود می کنند و سخن می گویند و به خوبی می توان پذیرفت که حتی مردم آغاز نوسنگی مجموعه ی لغاتی بس محدود و انگشت شمار داشتند. شاید مردم آن روزگار با هم به بحث و مکالمه و توصیف چیزها نمی پرداختند .

● زبانهای آریایی

زبان شناسان می گویند که نتوانسته اند با قاطعیت صفات مشترکی در میان همه ی زبانهای آدمیان بیابند. در سرزمینهای پهناوری گروههایی از زبانها یافته اند که ریشه ی واژه های آنها یکی است و روش بیان مقصود و اندیشه در میان آنها یکسان است ، اما در جاهای دیگر زبانهایی یافته اند که میان آنها حتی در ساختمان اساسی آنها سازگاری نیست و در میان عمل و روابط یکسان نیستند و ضوابط دستوری آنها هم کاملاً با یکدیگر متفاوت است .

● مردمانی با اندیشه و زبان

یک گروه بزرگ زبانهایی که تقریباً در سراسر اروپا تا هند رواج دارند مشتملند بر انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و اسپانیایی و ایتالیایی و یونانی و روسی و فارسی و زبانهای گوناگون هندی ، این زبانها را هند و اروپایی یا آریایی خوانند، ریشه های اصلی و ضوابط دستوری یکسانی در آنها می توان یافت . مثلاً واژه ی Father و Mother انگلیسی را Vater و Mutter آلمانی و Pater و Mater لاتین و Pater و Mater یونانی و Pater و Mater فرانسوی و Hair و Mair ارمنی و Pitar و Matar سانسکریت و مانند آنها بسنجید. بر همین اساس واژه های زبانهای آریایی با قاعده ی خاصی از یکدیگر متفاوت می شوند. مثلاً F در زبانهای ژرمانیک در لاتین P است و از قانونی پیروی می کنند که به نام قانون گریم معروف است . این زبانها چیزهای گوناگونی نیستند، بلکه از ریشه های واحدی گوناگونی پدید آمده و زبانهای مختلف شده است و مردمی که به این زبانها سخن می گویند روش اندیشه ای یکسان دارند .

● زبان آریایی در ۸۰۰۰ سال پیش شکل گرفت

زمانی در گذشته‌ی دور در عصر نوسنگی مثلاً ۸۰۰۰ سال پیش یا بیشتر شاید یک زبان واحد اصلی بود، که همه‌ی این زبانهای آریایی از آن برآمده‌اند. در جایی در میان اروپای میانه و آسیای غربی شاید مردمی از قبایل مختلف سرگردان بودند و با هم آن چنان در آمیخته بودند که یک زبان در میانشان به کار برده می‌شد. برای آسانی سخن بهتر است ایشان را آریایی بنامیم. سرجانستون ایشان را «آریاییان روسی» نامیده است. ایشان بیشتر به نژادهای گروه سفید و موبور و آبی چشم و پاره‌ی فرعی مردم شمال یا نژاد نوردیک بستگی دارند.

● هم زبانها لزوماً هم نژاد نبوده‌اند

در اینجا باید هشدار داده شود. زمانی زبان شناسانی زبانها و نژادها را با هم در می‌آمیختند و چنین می‌پنداشتند که همه‌ی مردمی که به یک زبان سخن می‌گویند هم نژاد می‌داند که این سخن درست نیست و زنگیان آمریکایی به انگلیسی سخن می‌گویند و یا ایرلندیها جز برای نمایشهای سیاسی به زبان ایرلندی سخن نمی‌گویند و مردم کورن که زبان سلتی اصلی خود را فراموش کرده‌اند به زبانهای دیگری سخن می‌گفته‌اند. اما آنچه از یک زبان مشترک می‌توان دریافت همانا در آمیختگی است که میان مردمی بوده و امکان در آمیختگی اگر به اصلی مشترک رهبری نکند دست کم آینده‌ی مشترک

اما حتی این زبان اصلی آریایی که زبانی بوده که در ۶۰۰۰ یا ۵۰۰۰ سال پیش بدان سخن گفته می‌شد زبانی بدوی یا زبان مردمی وحشی نبوده است. کهن ترین کسانی که به این زبان سخن می‌گفته‌اند یا در مرحله‌ی تمدن نوسنگی بودند یا از آن در گذشته بودند. این زبانها ضوابط دستوری و اصول صرف فعل و بعضی پیچیدگیهای خاص داشته‌اند

این مردم را نشان می‌دهد. اما حتی این زبان اصلی آریایی که زبانی بوده که در ۶۰۰۰ یا ۵۰۰۰ سال پیش بدان سخن گفته می‌شد زبانی بدوی یا زبان مردمی وحشی نبوده است. کهن ترین کسانی که به این زبان سخن می‌گفته‌اند یا در مرحله‌ی تمدن نوسنگی بودند یا از آن در گذشته بودند. این زبانها ضوابط دستوری و اصول صرف فعل و بعضی پیچیدگیهای خاص داشته‌اند، مثلاً روشهای به فراموشی سپرده‌ی میان مردم دورانهای اخیر پارینه سنگی شاید ناپخته تر از ابتدایی ترین شکل آریایی بوده است. شاید گروه زبانهای آریایی در ناحیه‌ی پهناوری میان رودهای عمده‌ی دانوب و دنیپر و دون و ولگا که از شرق به کوههای اورال و شمال دریای خزر می‌رسید رواج داشته است. ناحیه‌ای که در آن آریایی زبانان در گردش بودند شاید تا مدتهای درازی به اقیانوس اطلس و به جنوب دریای سیاه و آسیای صغیر نرسیده باشد. در آن هنگام اروپا و آسیا در بسفر به هم پیوسته بودند و این تنگه‌ی آبی در میان نبود، دانوب به سوی مشرق می‌رفت و به دریایی می‌ریخت که تا نواحی ولگا در جنوب شرقی روسیه و ترکستان می‌رسید و دریاها سیاه و خزر و آرال امروزی را در برمی‌گرفت و حتی خلیجهایی از آن به سوی دریای منجمد شمالی نیز کشیده می‌شد. این دریا می‌بایستی سدی بس شگرف بوده باشد در میان آریایی زبانان و مردم شمال شرق آسیا.

در جنوب این دریا کرانه‌ای از بالکان تا افغانستان پیوسته بود و در شمال غربی این دریا ناحیه‌ای بود پر مرداب و پر باطلاق که به بالتیک می‌رسید.

● زبانهای سامی کاملاً جدا از زبانهای آریایی اند

زبان شناسانی به گروه زبانهای دیگری که گویا کاملاً جدا از زبانهای آریایی پدیدار شده باشند قائلند به نام زبانهای سامی. عبری و عربی با هم خویشی دارند و چنین می نماید که اینها از ریشه ی یک رشته و از ه های دیگری جدا از زبانهای آریایی مشتق شده اند. روابط و اصول دستوری آنها نیز با زبانهای آریایی متفاوت است و به احتمال قوی این زبانها در میان جامعه هایی پدیدار شده اند که با آریاییان هیچ پیوستگی و سر و کار نداشته اند.

عبری و عربی و حبشی و آسوری باستان و فنیقی باستان و گروهی دیگر از زبانهای وابسته به اینها را ریشه گرفته از زبانی اصلی می دانند به نام زبان ساسی. در آغاز دوران تاریخ نوشته شده یعنی ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد و پیش از آن گواه بستگیهایی میان آریاییان و سامیان از جنگ و دادوستد در کرانه های شرقی مدیترانه هستیم اما پیش از این زمان بایستی هزارها سال جدایی کامل میان این دو مردم بوده باشد. سامیان گویا در جنوب عربستان یا دریا شمال شرقی آفریقا می زیسته اند، در آغاز دوران نوسنگی مردم اصلی سامی و آریاییان اصلی شاید کاملاً جدا از هم می زیستند.

● زبانهای حامی؛ همسایه زبانهای سامی

زبان شناسانی با اختلاف کلمه از زبانهای گروه سومی نیز سخن می گویند به نام گروه حامی که بعضی آنها را جدا از زبانهای سامی

گروه زبانهای حامی بی گمان دامنه ای پهناورتر و پرشمارتر از زبانهای سامی و آریایی دارند و زبانهای سامی پیوستگی و همانندی بیشتری از زبانهای آریایی دارند. زبانهای سامی شاید همچنان که مرغان از یک گروه خاص مهره داران برخاسته اند از زبانهای بسیار کهن حامی سرچشمه گرفته باشند

می دانند و برخی پیوسته ی به آن. اکنون بیشتر برآنند که در روزگارهای بسیار کهن میان این دو گروه پیوستگی بوده است. گروه زبانهای حامی بی گمان دامنه ای پهناورتر و پرشمارتر از زبانهای سامی و آریایی دارند و زبانهای سامی پیوستگی و همانندی بیشتری از زبانهای آریایی دارند. زبانهای سامی شاید همچنان که مرغان از یک گروه خاص مهره داران برخاسته اند از زبانهای بسیار کهن حامی سرچشمه گرفته باشند و نیز چه بسا که زبانهای آریایی نیز همچنان که پستانداران از گروهی دیگر از مهره داران برخاسته اند از گروه خاص از زبانهای حامی سر گرفته باشند. این فرضیه بسیار دل فریب است، اما هیچ پایه ی پذیرفتنی و مستدلی برای این امر در دست نیست که زبانهای آریایی از زبانهای حامی بسیار کهن و زبانهای سامی از زبانهای حامی در زمانی اخیرتر مشتق شده باشند.

حامی زبانان امروز مانند سامی زبانان بیشتر از نژاد مدیترانه ای هستند. از زبانهای حامی زبان مصریان قدیم و قبطیان و زبانهای بربرها (مردم کوهستانهای شمال آفریقا و توآرگهای نقابدار و گروهی از این مردم) و آنچه به نام گروه زبانهای اتیوپی آفریقایی در شرق آفریقا است گالاها. سومالیان را باید نام برد. این زبانها شاید از یک مرکز در کرانه های آفریقایی مدیترانه سرچشمه گرفته باشد و از راههای خشکی موجود در آن زمان گسترش یافته و تا اروپای غربی رفته باشد.

● صفت مشترک سه گروه زبان : آریایی ، سامی و حامی

همه ی این سه گروه بزرگ زبان چه آریایی و چه حامی دارای یک صفت مشترک هستند که در زبانهای دیگر یافته نمی شود و آن جنسیت است از لحاظ قواعد دستوری ، اما اینکه این صفت می تواند دلیل بر آن باشد که این سه گروه از یک ریشه برخاسته اند یا نه موضوعی است که بیشتر مربوط می شود به زبان شناسی تا دانش پژوهی که می خواهد کلیاتی از تاریخ را بررسی کرده باشد و در این حقیقت روشن یعنی جدا بودن مردمی که به این زبانها سخن می گویند از زمانهای بسیار دور پیش از تاریخ اثری نمی کند .

نژادهای سامی و نوردیک دارای مشخصات ظاهری بسیار آشکاری هستند و چنین می نماید که ایشان مانند زبانهایشان دارای خصایص و برجسته تر و خاص تری از مردم حامی زبان باشند .

● زبانهای اورال آلتایی

در سراسر نواحی مسکون آریاییان و سامیان بایستی زمانی گروه زبانی مشخص رایج شده باشد که امروزه به نام گروه زبانهای تورانی یا اورال آلتایی خوانده می شود. این گروه شامل زبانهای لاپی در لاپلند و سامویی سبیری و فنلاندی و مجاری و ترکی و تاتاری و منچویی و مغولی است . اما از آنجا که زبان شناسانی اروپایی هنوز بررسی کاملی رد این زبانها نکرده اند، شواهد کافی در دست نیست که زبانهای کره ای و ژاپونی هم از این گروهند یا نه . حال برت مقایسه ای از لحاظ دستوری از زبانهای کره ای و بعضی زبانهای دراویدی هندوستان کرده

ترجمه ی تحت اللفظی از چینی به انگلیسی ممکن نمی شود. زیرا که اصلاً اندیشه در این دو زبان متفاوت است و فلسفه ی چینی از این رو است که برای اروپاییان مفهوم نیست و فلسفه ی اروپا هم برای چینیان ، چون ماهیت شیوه ی اندیشیدن و چگونگی بیان موضوع با هم تفاوت کلی دارد .

و نشان داده است که میان این زبانها همانندیهای بسیار نزدیک وجود دارد .

● زبانهای چینی

گروه پنجم زبانها در ناحیه ی جنوب شرقی پدید آمده و هنوز هم در آنجا رواج دارد. این زبانها یک هجایی هستند بی تصریف و اشتقاق . تنها آهنگ صدا و فشار معنی کلمه را معین می کند. این را می توان گروه چینی یا یک هجایی خواند و مشتمل است بر چینی و برمه ای و سیامی و تبتی . تفاوت میان زبانهای چینی و زبانهای مغرب آن بسیار فراوان است . در زبان پکنی چینی تنها ۴۲۰ یک هجایی هست ، پس هر یک از آنها بار سنگینی دارند و برای چیزهایی مختلف به کار می روند و مفهومی گوناگون یا با فحوا ی کلام و مضمون معلوم می شود یا با نحوه ی ادای آن . رابطه ی این کلمات با یکدیگر بر اساسی است کاملاً جدا از روش معمول در زبانهای آریایی . دستور زبان چینی چیزی است جدا از دستور زبان انگلیسی . بسیاری از نویسندگان چینی می اندیشند که زبان چینی دستور ندارد و باید گفت که اگر نظر به یکسانی و مقایسه باشد درست است . پس ترجمه ی تحت اللفظی از چینی به انگلیسی ممکن نمی شود. زیرا که اصلاً اندیشه در این دو زبان متفاوت است و فلسفه ی چینی از این رو است که برای اروپاییان مفهوم نیست و فلسفه ی اروپا هم برای چینیان ، چون ماهیت شیوه ی اندیشیدن و

چگونگی بیان موضوع با هم تفاوت کلی دارد. برای روشن شدن این امر مثالی می آوریم . چهار علامت چینی که به مفهوم « امور و پرستش و واجب و کهن » است ، اگر پشت سر هم گذاشته شود ، « چرا باید به راههای کهن رفت ؟ » « معنی می دهد . پس یک چینی تنها به دادن لب مفاهیم اکتفا می کند . در صورتی که یک انگلیسی همان مفهوم را با بیانی آشکارتر و بی پرده تر می گوید . چه بسا که آن انگلیسی درباره ی کهنه پرستی در آشپزی و یا صحافی سخن بگوید و این عبارت « چرا باید به راههای کهن رفت » را به کار برد .

آقای آرتور ویلی در مقاله ای که درباره ی روش اندیشه و سخن سرایی چینی در آغاز کتاب « ۱۷۰ شعر چینی » نوشته است چگونگی محدود نگاه داشته شدن فکر چینی به کلمات ضروری و پرهیز از آوردن روابط را توجیه کرده است .

● گروههای زبانهای دیگر

گذشته از این گروهها زبان شناسان گروههای دیگری را نیز مشخص کرده اند . همه ی زبانهای سرخ پوستان آمریکا که تفاوتهای بسیاری با یکدیگر دارند از زبانهای جهان کهن کاملاً مجزا هستند . در اینجا اینها را در یک دسته می گذاریم نه از جهت اینکه وابسته به یک خانواده هستند ، بلکه از لحاظ جداکردن آنها از دیگر زبانها .

یک گروه بزرگ دیگر زبان در آفریقا است که از اندکی از بالاتر از استوا تا جنوبی ترین بخش آفریقا رواج دارد ، از بانته گرفته تا زبانهای دیگری در مرکز آفریقا که در اینجا به شرح آنها نمی پردازیم .

همچنین شاید دو گروه زبان جدا از هم نیز باشد یکی در اویدی در جنوب هند و دیگری مالایایی پولینزی که در جزایر پولینزی که اکنون بعضی از آنها جزو زبانهای هندی نیز به شمار می آید .